



## باسمه تعالی

ترازنویسی و ترازپژوهی و به‌آیین و روال، گزاره‌هایی را فراچنگ آوردن و به پیش‌گاه اهل نظر پیشکش کردن، میراثی است گران‌بهاء، که از دوره‌های بسیار دور زادبرزاد، نسل اندر نسل در جویبار زمان جاری شده، از سینه‌ای به سینه‌ای، از برگه‌ای به برگه‌ای راه یافته، تا به ما رسیده و همه‌گاه کوبه‌ی ذهن‌ها، فکرها و ذوق‌ها را می‌کوبد و درای کاروان را به صدا درمی‌آورد که میراث خود را، نوشتاری و گفتاری، رویدادها و آموزه‌های وحیانی و بشری را با کاغذ زر که همان ترازمندنویسی و ترازمندپژوهی است بنگارید و در پیشانی زمان، حک کنید؛ تا شور انگیزد و به یادگار در یادها و لوح ضمیرها بماند.



## اندر آیین نبشتار تراز

۱. به‌کاربندی دقیق قاعده‌ها و معیارهای دستور زبان فارسی<sup>۱</sup>، آیین نگارش و رسم‌الخط<sup>۲</sup>.
۲. پای‌بندی به نگاره، ریخت، ترکیب ساختاری در نگارش مقاله، از آغاز تا پایان:
  - سرسخن (عنوان) کوتاه، روشن و هماهنگ با معنوی و اصل سخن.
  - چکیده، کوتاه؛ اما گویا و بیان‌گر درون‌مایه سخن و جهت‌گیری.
  - درآمد و دیباچه، در حقیقت چهره و روی نبشتار و دربردارنده یادآوری‌های گزیرناپذیر: چرایی سخن به میان آوردن از این مقوله، بیان هدف، زاویه نگاه، پیشینه بحث، نویسندگان و پژوهشیانی که از این مقوله سخن گفته‌اند، کوتاه، بلند، پدافند و یا کم‌دافند، برجستگی‌های این نوشته در سنججه با آن نوشته‌ها و عرصه‌های نو و راه‌گشایی را که درنور دیده است و . . . روش کار، کتابخانه‌ای (با تعریفی که امروزه از کتابخانه وجود دارد) یا میدانی (با نگاه خاص علمی) و سازوکار به‌گزینی منابع، ملاک‌ها و معیارها.
  - پس از دیباچه‌نگاری و نمودن چهره کار، با مقدمه چینی سازوار و گویا، بحث آغاز می‌شود، با رسم کردن عنوان‌های اصلی و فرعی، به‌گونه پلکانی و پیوستاری که وابستگی هر عنوانی به عنوان دیگر، عنوان‌های پیشین به پسین و پسین به پیشین، حلقه در حلقه و زنجیروار حس و درک شود و خواننده را به آسانی از پله‌ای به پله‌ای دیگر فرا برد، بدان‌سان که به همان نتیجه‌ای دست یابد که نویسنده در پایان مقال، ترسیم می‌کند.
۳. برخورداری و بهره‌مندی از ویژگی‌های پژوهش معیار<sup>۳</sup>: فنی، استدلالی، اقناعی، سرچشمه گرفته از چشمه‌های اصلی و اصیل، نو، پاسخ‌گو، کاربردی و برآورنده نیازی از نیازهای فرد و جامعه، گشاینده گرهی از گره‌های فروبسته در زندگی فردی انسان مسلمان و جامعه اسلامی
۴. از آن‌جا که رسالت فصلنامه، بازتابانیدن اندیشه‌ها و دیدگاه‌های فقهی است و کالبدشکافی‌های دقیق در باب موضوع احکام فقهی، در هر دو عرصه، معیارهای دقیق فقهی و کندوکاوهای فقهی و موضوع‌شناسی را چراغ راه قرار می‌دهد: در مقوله‌های فقهی، برابری با نیازها و اقتضات زمان را سرلوحه کار



می‌نهد و هرگونه کار و تلاشی که زمان و گره‌گشایی از کارهای بسته را در چشم‌انداز خود ننهد و به واگویهٔ مقوله‌ها و بحث‌های کالبدشکافی شده، یا غیرضرور بپردازد و یا در مقوله‌های مورد نیاز و بایسته، ژرف‌کاوی‌ها و ژرف‌اندیشی‌ها و همه‌سویه‌نگری‌های درخور، انجام نگرفته باشد، به یک سو می‌نهد و مهر غیر درخور عرضه بر آنان می‌زند. فصلنامه، نوگراست و رصدگر و عرضه‌کنندهٔ سخنان و بحث‌های نو و گره‌گشا؛ اما این نگاه و این زاویه‌نگری ویژه، به هیچ روی، به معنای درهم‌فروریختن ترازها و معیارهای اجتهادی و فقه‌ای نیست. فقه سنتی و فقه جواهری که امام خمینی، رحمت‌الله‌علیه، روی آن تأکید داشتند و کار فقهی و اجتهادی و دستیابی به فقه ناب، جز از این جویبار زلال ناممکن است، در هر مقال فقهی که بنا باشد در فصلنامه نشر یابد و بازتاب، بایستی جلوه‌ای ویژه داشته باشد. فصلنامه، رصدگرانه در برابر هرگونه بی‌ملاک‌گویی و بی‌ملاک‌نویسی، سهل‌انگاری، سرهم‌بندی و از همه مهم‌تر اخباری‌گری مدرن می‌ایستد. اخباری‌گری مدرن که در لایه‌هایی از حوزه و کندوکاوها و جست‌وجوهای فقهی و فقه‌پژوهی، رسوخ کرده، کار را بر فقه‌پژوهان ناب‌اندیش و پاسداران راستین دستاورد بزرگ اصولیان، سخت دشوار ساخته است. اخباری‌گری مدرن، از راه نقل، گردآوری و درهم‌آمیختن ناسختهٔ چند آیه و سخن قرآن و نهج‌البلاغه، یا تفسیر اشتباه از هر یک و بدون توجه به مقدمات، مقارنه‌ها، هم‌گنی‌ها و زمینه‌های بیان آن، یا دست‌چین کردن چند روایت دلخواه، و تحمیل معنای مورد نظر بر آن، چشم‌پوشی از دیگر مستندها و قواعد عمومی فقه، بروز و ظهور یافته و می‌یابد که حرکتی است انحرافی و کژراهه‌روی که ناگزیر بایستی برای پاس داشتن ساحهٔ فقه ناب از هرگونه جولان‌گری جریان‌های انحرافی و بازدارندهٔ فقه ناب از میان‌داری، راه‌گشایی، کارآمدی، نقش‌آفرینی در فراز و فرودهای زندگی، هنگامه‌های سخت و نهادینه‌سازی تکلیف‌مداری در زندگی فردی و اجتماعی، به تلاش برخاست و هشدارهای لازم را طلایه‌دارانه به کاروان سالاران داد. و در مقولهٔ موضوع‌شناسی، آن‌چه ناگزیر بایستی بازتاب روشنی داشته باشد، افزون بر نگاه، دقت و دقیقه‌اندیشی فقهی و نمونه قرار دادن تلاش‌های سترگ و عالمانه و دقیق‌اندیشانهٔ فقیهان پیشین و پسین، در امر موضوع‌شناسی و چند و چونی تکاپوهای آنان در این عرصه، ورود به آبشخورهای علمی، آن هم به روز، و بهره‌گیری از ویژه‌کاران



خبره و ماهر، در هر رشته‌ای است. با این سازوکار، کار، قوام می‌یابد و به سامان می‌رسد. در پرتو این تلاش عالمانه و دقیقه‌اندیشانه، ممکن است کار به پایه‌ای برسد که برای فقیهان و صاحبان فتوا، کم و بیش، اطمینان‌آور باشد و نقبی به روشنایی بزند.

۵. از جمله موارد محک و عیارسنجی مقاله، سنجش آن با نوشته‌ها و مقاله‌هایی است که مدار اصلی بحث در آنها، همان موضوعی است که مقاله در دست بررسی، عهده‌دار بیان آن است.

در این سنجش باید به دست بیاید که مقاله، نسبت به مقاله‌های همگن، برجستگی‌های درخوری دارد، از جمله:

الف. نویسنده در بررسی و تحلیل مسأله، بهتر و عالمانه‌تر از پردازندگان به این موضوع در نوشته‌های خود، توانسته با به‌کارگیری روال و روشی نظام‌مند، به استوارسازی دیدگاه خود، بپردازد.

ب. در منبع‌یابی، منبع‌شناسی و بهره‌گیری از منابع دست اول، تلاش گسترده‌تر و دقیق‌تر از پردازندگان به این موضوع داشته و راه‌های اعتمادبرانگیزتری را پیموده است.

ج. از زاویه کاربردی و راه‌گشا به موضوع درنگریسته است. با تلاش، پی‌گیری و توجه عالمانه به نیازهای روز فرد و جامعه، به مقوله مورد بحث، جایگاه ویژه‌ای بخشیده و آن را از حالت اندراس و غیرکاربردی به درآورده و کاربردی بودن آن را به‌روشنی نمایانده است.

د. در جای‌جای نبشته، به‌روشنی می‌توان دید که نویسنده، گام در راه‌های بارها بارها رفته و پیموده شده، نگذارده است و اگر هم گام در راه‌های پیموده شده گذارده، بهنگام، توجه داده و در عمل، ثابت کرده پیمودن این راه، از تکرار و واگویه ملال‌آور مقوله‌های بررسی شده، پرهیز داشته و تمام توان خود را برای گشودن راه جدید و به‌ارمغان آوردن دستاوردهای نو و درخور استفاده، به‌کار برده است.

ه. بحث به‌گونه‌ای پی‌ریزی شده و ارجاع‌ها و منابع، چنان سامان یافته که به‌روشنی هر خواننده نکته‌سنج و باریک‌بینی، به این نکته ره می‌یابد که نویسنده، مقاله‌ها و مطالب نشریافته همسورا به دقت دیده و ارزیابی کرده و سره از ناسره آنها را بازشناسانده و نمایانده که کارهای انجام گرفته، ناتمام است و هنوز تا چهره‌گشایی حقیقت مطلب، راه درازی مانده و جست‌وجوهای بسیاری باید و این تلاش فراروی، که حلقه‌ای است از حلقه‌های تکاپو و تلاش در باب موضوع مورد نظر، بخشی از آن جست‌وجوهایی است که در ادامه کار پژوهش‌گران پیشین



می‌بایست انجام می‌گرفت.

۶. ناگفته نماند در موضوعی که کار زیاد شده، سست و یا استوار، کار در همان موضوع و پژوهش در آن باب، چندباره‌کاری و به‌گونه‌ای وقت‌گذاری بی‌نتیجه است. در چنین موردی در صورت ضرورت و ناگزیری، گزارشی فنی، علمی و همه‌سویه از کارهای انجام گرفته ارائه گردد و اگر نویسنده و یا پژوهش‌گر، نکته‌ای و رای نکته‌های ارائه شده دارد، ارائه دهد، و یا کاستی‌های کارهای انجام گرفته را بنمایاند که بی‌گمان، ره‌گشایتر و مفیدتر خواهد بود.

۷. مقاله در بوتۀ ارزیابی فصلنامه، عیارسنجی می‌شود که آیا کار ارائه شده ناب و خالص است و از ذهن و دستگاه اندیشه نویسنده و پژوهش‌گر تراویده و در پرتو تلاش و تکاپوها، دقت‌ها و نگرش‌های نوگرایانه و عالمانه وی سامان گرفته است، یا خیر، مقاله رونویسی از دیگر پژوهش‌ها و مقاله‌هاست و به دیگر سخن، سرقت علمی و ادبی. و مقاله از این جنبه نیز بررسی می‌شود که آیا نویسنده در نقل قول‌ها و ارائه دیدگاه دیگران، امانت‌دار بوده و یا خیر به دیدگاه‌تراشی پرداخته و به عمد و یا از روی درست نفهمیدن سخن دیگران، به آنان مطالبی را نسبت داده است.

۸. مقاله باید نشان‌دار باشد، با مهر فکری و اندیشه‌ای که از اسلام ناب سرچشمه گرفته است. انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی، از اسلام ناب پرتو گرفته و مؤسسه موضوع‌شناسی احکام فقهی، در این منظومه به گردش درآمده و بنا دارد، پرتو بیفشاند؛ از این روی، پذیرش هر مقاله و نبشتاری در فصلنامه، بایستی بارقه‌ای باشد از اسلام ناب، تا نظام مقدس جمهوری اسلامی را در بست و گشاد کارها، پشتواری باشد استوار.

۹. منابع: شالوده مقاله و پژوهش، منابع آن است، چشمه‌هایی که با تلاش کاوش‌گرانه پژوهنده به جوشش در می‌آیند و زمینه‌ها را چشم‌نوازانه، برای رویش‌های پیاپی مهیا می‌سازند. منبع در مقاله و پژوهش، یعنی افشاندن بذر اندیشه در زمین آماده، هموار، بی‌سنگلاخ، آبیاری شده و مهیای برای کاشتن هسته و رویاندن گیاه.

از این روی، فصلنامه، افزون بر این که به پژوهش‌ها و مقاله‌های سرشار و بهره‌مند از منابع اصیل، راه‌گشا و به‌گزین شده، ارج می‌نهد و برتری می‌دهد، با دقت به واریسی تک‌تک آنها می‌پردازد، تا روشن شود:

الف. ارزش آسناد: ارزش پژوهش و مقاله، بسته به آسناد آن است.



هرچه اسناد، دارای ارج و جایگاه والاتری باشند، مقاله و پژوهش از ارزش بالاتری برخوردار خواهد بود. و نیز دقت در چیدن اسناد با ارزش در کنار یکدیگر برای اثبات مدعی، بیان‌گر هوش‌مندی و باریک‌اندیشی پژوهش‌گر و نویسنده است و این روش، خوانندگان آگاه، تیزنگر و خردمند را وامی‌دارد که در نبشته پژوهشی او، به دقت بنگرند و خردورزانه نکته‌ها و دریافت‌های ارائه شده را واکاوند.

برابر این قاعده و تراز خردورزانه، فصلنامه به واری‌ارزش اسناد مقاله پژوهشی که در اختیارش قرار گرفته می‌پردازد، تا دریا بد تا چه حد، دقیق و دست اول است و چه پایگاهی در بین اسناد دارد.

آیا اسناد که برای اثبات مدعی، فراییش نهاده شده، به گفته‌ها، نوشته‌ها و دیدگاه‌های سرامدان و صاحب‌نظران برتر آن علم، اسناد داده شده، یا خیر سهل‌انگارانه به نوشته‌ها و کسانی اسناد داده شده که بازگوکننده سخن برکشیده و متعالی و درخور اهمیت در آن رشته نیستند. ب. نویسنده، درست و کارشناسانه از منابع بهره برده و استنباط وی، از آیات و روایات، قاعده‌مند و برابر اسلوب‌ها، سبک‌ها و روش‌های پذیرفته شده بوده است و باریک‌اندیشانه به دیدگاه‌ها ورود پیدا کرده و هشیارانه آنها را به منظومه فکری خود کشانده است.

ج. به‌گزینی منابع. از اصول مقاله پژوهشی، به‌گزینی منابع است. پژوهنده‌ای که این اصل را پاس ندارد و به آن بی‌توجه باشد، به هیچ‌روی نخواهد توانست نوشته تراز و درخور پذیرش، عرضه کند. هرج و مرج در ارائه منابع و بهره‌گیری از آنها، افزون بر این‌که بیان‌گر پریشان‌فکری نویسنده است، ره به جایی نمی‌برد و جز ملال و خستگی برای خواننده آگاه، چیزی به ارمغان نمی‌آورد.

فصلنامه این اصل را پاس می‌دارد و نمی‌گذارد مقاله در گرداب منابع سره و ناسره، ناهم‌تراز، بی‌در و بیکر گرفتار آید. بدین جهت بررسی می‌کند که آیا نویسنده و پژوهنده در پژوهش خود با اشراف کامل به منابع، کار را به پیش برده و توانسته از بین گوناگون منابع، با شناخت دقیق، سودمندترین آنها را برای اثبات مدعی خود برگزیند و هوش‌مندانه دست چین کند و از فروافتادن در راه‌های پرسنگلاخ، طولانی و ناسودمند پرهیزد و دامن بگیرد.

به‌گزینی منابع، چیدن منابع در کنار هم، به بهترین صورت، در چهارچوب فکری نویسنده و پژوهنده است، در راستای برآورده‌سازی هدف. با این نگاه، منبعی که در چهارچوب فکری نویسنده قرار نمی‌گیرد



و یا کمکی به پژوهنده در رسیدن به هدف نمی‌کند و در عمق بخشی به پژوهش نیز نقشی ندارد، از دور خارج می‌شود و مقاله و پژوهش، بدون ارجاع‌های پیاپی، بی‌سود، فضل‌نمایانه و عوام‌فریبانه، به زیبایی جلوه‌گر می‌شود که بی‌گمان، بیان‌گر هوشیاری پژوهنده و گزیده‌گویی خواهد بود.

۱۰. مقاله، نه یادداشت است، نه پژوهش، بلکه از آن فراتر و از این فروتر. مقاله، برشی است روشن‌گرانه، از موضوعی، با زاویه‌های گوناگون و دامنه‌گسترده، که با هدفی ویژه انجام می‌گیرد. این زاویه‌نگری و نگاه هدف‌مند، در قالب نوشته‌ای هفت تا ده هزار کلمه‌ای، با ساختار، ترکیب‌بندی و ریخت‌درخور عرضه در روزنامه و مجله هفتگی، یا ماهانه، برای مخاطب عام، یا خاص، ارائه می‌گردد. مقاله‌نویس متفکر، سره از ناسره‌شناس، دغدغه‌مند و آرمان‌گرا، دیدگاه‌های خود را در باب گزاره‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، کلامی، فقهی-حقوقی و... در قالب مقاله ارائه می‌دهد و با این کار، در عرصه اجتماع و فرهنگ حضور می‌یابد و به به‌سازی می‌پردازد و بابت خطرهای و کژراهه‌روی‌ها هشدار می‌دهد و یا از مسأله و قضیه‌ای، ابهام‌زدایی می‌کند و راه را می‌نمایاند.

از این روی، بایسته است که مقاله‌نویس خردمند، پیام خود را در چهارچوب درستی فراروی نیوشا و آن سوی سخن نهد، تا ثمر دهد و دگرگونی در ذهن و فکرو پدید آورد.

آرایه‌های مقاله بآیین و نمونه، جاذبه می‌آفریند و نیوشا را به آبخورگاه می‌کشاند و به درنگ وامی‌دارد و این، مجال است بزرگ برای نویسنده دارای پیام که پیام خود را بآیین و نمونه عرضه کند، با نقشه راه، پیوستگی و درهم تنیدگی یافته‌ها، بی‌گسست و حلقه‌وار و پرهیز از هرگونه آشفتگی، گسست و گسل فکری پیش.

۱۱. پرگویی و به درازا کشاندن مقاله، از جمله کاستی‌هاست. به‌گزینی ماهرانه و چیره‌دستانه جستارها، به قوام و استواری مقاله می‌انجامد. نویسنده کم‌گو و گزیده‌گو، همیشه و همه‌گاه این اندیشه را در ذهن خود می‌پرورد که نیوشای سخن او، خردمند، خردورز و زودیب است و از هرگونه زیاده‌گویی، در رنج و واگویه‌های غیرضرور را بر نمی‌تابد و با نکته و جستاری که نویسنده، دقیق و موشکافانه، بازمی‌تاباند، ذهن زودیب او، به دیگر نکته‌ها و جستارها، خودکار، راه می‌یابد و این، یعنی احترام، بلندجایگاه دانستن آن سوی سخن و خواننده، از نظر فکری



که روشن است با عامی دانستن او، بسیار فاصله دارد. زیرا به روشنی می‌توان دریافت که وقتی نویسنده، آن سوی سخن خود را عامی بداند، به هیچ‌روی نمی‌تواند با خواننده و نیوشای سخن خود پیوند برقرار کند. از این روی، فصلنامه بر آن است، با پافشاری روی گزیده‌گویی و خواستاری آن از نویسنده محترم، افزون بر احترام به خواننده و ارج نهادن به جایگاه فکری او، نبشتاری به دور از زیاده‌گویی، پخته و سخته در قاب زمانه بگذارد و بیاویزد.

۱۲. مقاله، بازتاب‌دهنده جزر و مدّ و جولان فکری نویسنده است. نویسنده، با زورق اندیشه، به دریای اندیشه‌ها وارد می‌شود و جزر و مدّ می‌آفریند و با جزر و مد و جولان‌گری دیگر اندیشه‌ها، درمی‌آمیزد و در فراخیزی و نهضت پاک‌سازی و سرزندگی دریای اندیشه‌ها که بی‌گمان، در دریای پرغریو و فرویش و برآیش وجود انسان‌ها، اثرگذار است و دگرگونی‌آفرین، نقش‌آفرینی می‌کند.

فصلنامه، بر اساس رسالتی که دارد، وظیفه خود می‌داند از مقاله‌های فقهی و موضوع‌شناسی فقهی و مقوله‌های پیرامونی با این ویژگی، بهره بگیرد و به سهم خود، نواندیشی دینی را بگستراند و راه را بر خمودفکری و خشکه‌مغزی ببندد.

یادآوری: بایسته است در این جا، این نکته را خاطر نشان کنیم طلایه‌داران اندیشه ناب و احیاگران اسلام زلال و بی‌آمیغ، با منبع‌دهی‌های لایبرلا و انبوه و پی‌نوشت‌های طولانی و ردیف کردن گوناگون منابع و آثار، ندرخشیدند، بلکه برتری، جلوداری، رخشانی، اثرگذاری و دگرگون‌آفرینی آنان، ریشه در جولان و جزر و مدّ آفرینی فکری و شادابی برخاسته از روح قدسی دارد.

۱۳. نشریه‌ها، بویژه نشریه‌های علمی-تخصصی، با برگرداندن جستاری از زبان دیگر به زبان خود، کم و بیش، سروکار دارند و فصلنامه موضوع‌شناسی فقهی نیز، با این مهم روبه‌روست که در چند فراز به باز نمود چگونگی ورود خود به این عرصه، می‌پردازد:

در ترجمه، وفاداری به متن، شرط راه است. محتوا، بی‌کم‌وکاست می‌بایست، بازتاب یابد. چیرگی و آگاهی از اندیشه صاحب اثر گزیرناپذیر است و از زوایای دیدگاه او و باریک‌اندیشی‌هایی که از ذهن‌اش به صفحه کاغذ تراویده است.

امانت‌داری و وفاداری به متن و محتوا، آن‌گاه به حقیقت می‌پیوندد که: ترجمه، آزاد نباشد. ترجمه آزاد، ترجمه به معنای واقعی کلمه نیست؛





زیرا در ترجمه آزاد، ذوق، سلیقه و اندیشه برگرداننده، به ذوق و اندیشه نویسنده درآمیخته و این، یعنی خارج کردن اندیشه، ذوق و سلیقه صاحب اثر، از مدار خود و نهفته نگه داشتن آن از چشم‌انداز بررسی‌ها و دقیق‌اندیشی‌ها و بهره‌گیری‌های درست و دقیق و آشنایی و آگاهی ژرف به اندیشه صاحب اثر.

ترجمه، واژه به واژه (تحت اللفظی) نباشد؛ زیرا هر زبان برای خود صرف و نحو و دستورهای ویژه خود را دارد که با ترجمه واژه به واژه، نگه داشت صرف و نحو و ویژگی‌های زبانی آن ممکن نیست و نیز، بی‌گمان ترجمه واژه به واژه، از جذابیت و شیرینی زبان اصلی فرو می‌کاهد و بی‌هیچ‌روی با ترجمه واژه به واژه، نمی‌توان برجستگی‌های نثری و ادبی را زبانی به زبان دیگرسازی ساخت.

با توجه به آن‌چه یاد شد، فصلنامه بر آن است در ترجمه، پس از درک درست و دقیق معنی و مفهوم متن عربی، انگلیسی و... آن را در کالبد زبان فارسی بریزد به‌گونه‌ای که خواننده، احساس کند با تألیف روبه‌روست، نه با برگردانی پراز کتّابی، ناروشن و ابهام‌آلود. مترجم امین، نباید اجازه بدهد که کوچک‌ترین زاویه‌ای در ترجمه او، از هدف مؤلف پدید بیاید که این هنر مترجم است، فن و ورزه‌ای بس بااهمیت در کار ترجمه. درک و فهم اندیشه مؤلف، و بیان و بازگرداندن آن از زبانی به زبان دیگر، آن‌گاه هنرمندانه و فنی است و روش‌مند، که در هیچ مسأله‌ای، با اندیشه صاحب اثر، اختلاف و ناسانی نداشته باشد، گام در گام صاحب اثر بگذارد و بازتابنده اندیشه او باشد.

۱. ناتل خانلری، پرویز، دستور زبان فارسی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲
۲. یاحقی، محمدجعفر، راهنمای نگارش و ویرایش، چاپ بیست و هشتم، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷
۳. آریان‌پور، امیرحسین، پژوهش، انتشارات چاوشان نوزایی کبیر، ۱۳۸۸